

نقش و جایگاه طبقه کارگر در خیزش انقلابی کنونی:

اصول، اهداف، خواست ها، روش ها و ابزارهای مبارزه

کارگران انقلابی متحد ایران - ۱۶ آبان ۱۴۰۱

در آستانه هشتمین هفته خیزش انقلابی و سراسری توده های مردم ایران یک رشته نکات مهم و کلیدی - که ما از نخستین روزهای این جنبش به آنها اشاره کرده ایم - خود را به روشنی تمام نشان می دهند. این نکات از این قرارند:

۱- خصلت کاملاً سیاسی این خیزش که کل نظام سیاسی حاکم را به مصاف طلبیده است.

۲- این واقعیت که نه توده های جان به لب رسیده و مصمم که با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای»، «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «زن، زندگی، آزادی»، «مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر»، «امسال سال خونه سید علی سرنگونه»، «آزادی، آزادی...»، «جمهوری اسلامی نمی خوایم، نمی خوایم» و غیره، روز و شب در خیابان ها، محلات، دانشگاه ها، مدارس، بازارها و دیگر محل های کار و گردهمایی به تظاهرات، راه پیمائی و درگیری با مزدوران تا به دندان مسلح رژیم روی آورده اند، حرف آخر خود را زده اند و نه رژیم سرپا ارتجاعی و خونخوار نظامی - مذهبی سرمایه داری فاسد و تبهکار که صدها تن و از جمله ده ها کودک را کشته، هزاران تن را زخمی و هزاران دیگر را دستگیر کرده، به سرکوب و کشتار پایان داده است، به عکس هنوز باید منتظر سرکوب های بیشتر و جنایات گسترده تر و ننگین تر این رژیم سفاک برای مهار جنبش بود.

۳- خیزش انقلابی جاری تاکنون اساساً به شعارها و خواست های سلبی که در بالا به برخی از آنها اشاره شد اکتفا کرده و شعارها و خواست های ایجابی و مثبت خود را هنوز نپرورانده و فریاد نکرده است.

۴- طبقه کارگر، بزرگترین طبقه اجتماعی ایران که اکثریت مطلق جمعیت کشور را تشکیل می دهد و بزرگترین مولد ثروت اجتماعی است، طبقه ای که شرایط زندگی اش با وسیع ترین و عمیق ترین دموکراسی و محو هرگونه ستم و استثمار عجیب است و هیچ نفعی در ادامه شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشور ندارد، هنوز وارد جنبش جاری نشده است. منظور ما ورود طبقه کارگر به عنوان سیاهی لشکر و یا پیاده نظام نیروهای طبقاتی دیگر نیست بلکه ورود مستقل و آگاهانه این طبقه با خواست های خود این طبقه است. منظور ما همچنین ورود عناصر منفرد و یا گروه های پراکنده کارگران در حرکت عمومی نیست. بی تردید کارگران منفرد زیادی در جنبش حضور دارند، بلکه منظور صف متمایز گروه های بزرگ کارگران مزدی صنعتی، خدماتی و کشاورزی بویژه از واحد های بزرگ است.

هنگامی که از خواست های طبقه کارگر سخن می گوئیم، منظور ما، برخلاف تصور عامیانه بورژوائی و خرده بورژوائی از این مفهوم، صرفاً خواست های اقتصادی این طبقه که به غلط «خواست ها و مطالبات صنفی» نامیده شده نیست. بی تردید خواست های اقتصادی- اجتماعی کارگران- چه خواست هایی که مربوط به کل کارگران مزدی هستند و چه خواست های حرفه ای یا اجتماعی مربوط به بخش های معینی از کارگران - بسیار مهم اند و همواره تا کار مزدی وجود دارد بخشی از خواست های طبقه کارگر را تشکیل می دهند. اما منظور ما در اینجا اساساً خواست های سیاسی این طبقه است یعنی آن خواست های سیاسی که از وضعیت این طبقه به عنوان طبقه ای تحت ستم و استثمار ناشی می شوند و راهگشای مبارزه این طبقه برای رهائی از استبداد سیاسی و طبقاتی حاکم، استثمار کار مزدی و نظام طبقاتی به طور کلی هستند. خواست های

اقتصادی- اجتماعی و خواست های سیاسی طبقه کارگر، بویژه خواست های سیاسی کارگری، در برگیرنده و کامل کننده خواست ها و منافع سیاسی کل زحمتکشان هستند. خواست های سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر با منافع متحدان این طبقه یعنی زحمتکشان غیر پرولتری و به طور کلی با منافع ۹۵ درصد یا بیشتر جمعیت کشور هماهنگی دارند.

طبقه کارگر کشورهای پیشرفته طی دو سده گذشته مدافع و مبتکر وسیع ترین و عمیق ترین دموکراسی، بیانگر اصلی آزادی و حقوق زنان و برابری زن و مرد در همه عرصه ها، دشمن سرسخت استبداد و هرگونه امتیاز رسته ای و طبقاتی، مدافع و برقرار کننده حکومت عرفی (سکولار، لائیک) و پرچمدار مبارزه با امپریالیسم، ستم ملی، شوونیسم و نژاد پرستی بوده است.

طبقه کارگر ایران که طی بیش از صد سال گذشته همواره با استبداد، ارتجاع، اشرافیت عرفی و دینی، امپریالیسم و سرمایه داری بومی مبارزه کرده است اینک وظیفه تاریخی بزرگی بر دوش دارد و آن شرکت در صفوف نخست مبارزه جاری با اهداف، خواست ها، روش ها و ابزارهای خاص خود برای آزاد سازی پرولتاریا و تمام جامعه از رژیم ننگین جمهوری اسلامی و از نظام ننگین استثمار سرمایه داری است. این کار به معنی مصادره جنبش نیست زیرا خواست های اساسی این جنبش جزئی از خواست های طبقه کارگر هستند.

روشن است که چنین وظیفه ای در درجه نخست بر عهده کارگران آگاه و پیشرو و مدافعان راستین طبقه کارگر است. ما در اینجا نخست اصول، اهداف، خواست ها و وظایفی را که بحران ها و بن بست های کنونی اجتماعی و سیاسی و چشم انداز تاریخی رهائی در مقابل کارگران پیشرو قرار داده بیان می کنیم و سپس به روش ها و ابزارهایی که طبقه کارگر می تواند با کاربست آنها تغییری واقعی در توازن نیروها به وجود آورد و راه را برای پیشروی بیشتر هموار سازد می پردازیم.

اصول، اهداف، خواست ها و وظایف

الف) اصول و اهداف عام

۱- مبارزه طبقاتی، نیروی محرک مستقیم تغییرات بزرگ اجتماعی است و مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران مضمون اصلی مبارزه طبقاتی جامعه معاصر و دوران معاصر را تشکیل می دهد.

۲- مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار مبارزه ای بین المللی و جهانی است. نظام سرمایه داری، نظامی جهانی است و کارگران مزدی و سرمایه داران، که طبقات اصلی شیوه تولید سرمایه داری هستند، طبقاتی جهانی اند. مضمون و محتوا و نیز هدف اصلی مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران عبارت است از نفی استثمار کار مزدی و هر نوع بهره کشی انسان از انسان در سطح جامعه و محو طبقات و نظام طبقاتی در کل جهان.

۳- منافع بنیادی طبقات کارگر کشورها و ملت های گوناگون یکسان است و اتحاد و همبستگی کارگران در سراسر جهان محصول این وحدت منافع بنیادی است.

۴- منافع حیاتی و بنیادی طبقه کارگر با هرگونه استثمار و ستم، بویژه ستم جنسی، ستم ملی، ستم دینی، نژادپرستی، برتری طلبی ملی، استعمار و استعمار نو و به اسارت سیاسی یا اقتصادی در آوردن یک ملت توسط ملت دیگر تضاد آشتی ناپذیر دارد. از این رو منافع بنیادی طبقه کارگر ایجاب می کند که این طبقه از مبارزات همه توده های زحمتکش به ضد

استثمارگران و از مبارزات آزادیخواهانه ملت های زیر ستم علیه قدرت های امپریالیستی و سلطه طلب در سراسر جهان پشتیبانی کند و به این مبارزات یاری رساند.

۵- جنگ های غارتگرانه، سلطه جویانه و الحاق طلبانه در دنیای معاصر اساساً محصول نظام سرمایه داری و بویژه ناشی از سرکردگی طلبی و برتری جوئی ذاتی در این نظام هستند که از آغاز سده بیستم تاکنون به صورت جنگ های امپریالیستی ابعاد بسیار وسیع و جهانی پیدا کرده اند. این سلطه طلبی و برتری جوئی امپریالیستی همراه با تقسیم جهان به مناطق نفوذ این یا آن قدرت یا بلوک امپریالیستی و مبارزه اقتصادی، سیاسی و نظامی مستقیم یا غیر مستقیم برای تجدید تقسیم جهان بین قدرت های بزرگ امپریالیستی و الحاق طلبی در این رقابت مرگبار است. تضادهای میان قدرت های بزرگ که به شکل های گوناگون پدیدار می شوند و گسترش سلاح های کشتار جمعی و سلاح هائی که توانائی انهدام کل جهان و یا بخش های بسیار وسیعی از آن را دارند و درک این خطر از سوی کارگران و توده های وسیع مردم باعث شده است که مبارزه علیه جنگ های غارتگرانه، سلطه جویانه و الحاق طلبانه و تلاش برای دست یابی و گسترش سلاح های کشتار جمعی، مبارزه علیه نظامیگری و برتری طلبی ملی و مبارزه برای صلح عادلانه به بخشی از مبارزه عمومی طبقه کارگر و توده های مردم تبدیل گردد. روشن است که مبارزه با جنگ های امپریالیستی و ارتجاعی و جنگ های الحاق طلبانه منافاتی با پشتیبانی از مبارزات و جنگ های عادلانه و آزادی بخش ندارد. صلح دائم تنها با از میان رفتن استثمار و نظام طبقاتی در جهان امکان پذیر است.

۶- اهداف عالی و دراز مدت طبقه کارگر تنها از طریق انقلاب اجتماعی این طبقه قابل تحقق اند: انقلابی که با برانداختن سرمایه داران و دیگر استثمارگران از قدرت سیاسی، با استقرار فرمانروائی انقلابی طبقه کارگر (دولت شورائی کارگران و زحمتکشان) و درهم شکستن ماشین نظامی و اداری بورژوائی، زمینه تغییرات اساسی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را برای محور استثمار و نظام طبقاتی فراهم می سازد.

ب) اهداف و خواست های ویژه طبقه کارگر هر کشور

طبقه کارگر هر کشور با توجه به مجموع اوضاع اقتصادی و سیاسی آن سرزمین، آرایش و صف بندی طبقاتی، سطح تکامل تاریخی و فرهنگی و درجه رشد و توسعه مبارزات طبقاتی در آن کشور و اوضاع جهانی، اهداف ویژه ای را دنبال می کند که نه تنها با اهداف عام و جهانی طبقه کارگر منافاتی ندارند بلکه شکل ویژه و مشخص آن اهداف و شیوه دسترسی به آنها را در شرایط مشخص و ویژه هر کشور تعیین می کنند.

پ) سرشت انقلاب آتی ایران

انقلاب اجتماعی طبقه کارگر در ایران مانند همه انقلابات کارگری انقلابی مداوم است که تا استقرار کامل سوسیالیسم و گذار به کمونیسم ادامه خواهد داشت و انقلاب آتی ایران آغاز این روند انقلاب مداوم و پیشرونده است. تداوم و پیشروندگی این انقلاب بیش از هر چیز به تشکل انقلابی و از پایین کارگران و توده های زحمتکش مردم و تبلور آگاهی و تشکل پرولتاریا در سازمان های مستقل این طبقه و بالاتر از همه در حزب سیاسی انقلابی پرولتاریا که این تداوم را رهبری کند بستگی دارد. تداوم انقلاب به معنی روند حل وظایف انقلابی مبارزه طبقاتی و از میان برداشتن موانعی است که در هر مرحله از تکامل این روند در مقابل طبقه کارگر و توده های زحمتکش قرار می گیرند.

رژیم جمهوری اسلامی دشمن مقدم طبقه کارگر و توده های مردم ایران است و سرنگون کردن انقلابی این رژیم وظیفه مقدم انقلاب آتی ایران است. نظام سیاسی ای که باید جانشین نظام سیاسی کنونی شود، از دید ما جمهوری شورائی کارگران و

زحمتکشان است که بیانگر اتحاد انقلابی طبقه کارگر و متحدان طبیعی او در این برهه یعنی زحمتکشان غیر پرولتری است. دولت شورائی کارگران و زحمتکشان بیانگر اتحاد داوطلبانه ملت های ساکن ایران نیز هست که باید برپایه منافع مشترک سیاسی و اقتصادی زحمتکشان این ملت ها شکل بگیرد. از نظر سیاسی چنین اتحادی اساسا در مبارزه مشترک برای برانداختن رژیم ارتجاعی و خونخوار جمهوری اسلامی و هر رژیم استثمارگر و ستمگری که بخواهد جایگزین آن گردد، پی ریزی می شود.

ت) اهداف اقتصادی انقلاب آتی ایران

نظام اقتصادی- اجتماعی ای که می تواند جایگزین وضعیت سرمایه داری کنونی شود و تغییری اساسی در وضعیت کنونی کارگران و زحمتکشان ایران پدید آورد نظامی است که در آن دست کم مالکیت و کنترل وسایل اصلی تولید (زمین و دیگر منابع طبیعی، معادن، کارخانه های بزرگ، شرکت های بزرگ ساختمانی) و نیز بانک ها، شرکت های بیمه و دیگر مؤسسات مالی و پولی، شرکت های بزرگ حمل و نقل زمینی، دریائی و هوائی، مؤسسات بندری، مؤسسات تولید و توزیع انرژی، مخابرات و غیره از دست مالکان خصوصی، دیوانسالاران، نظامیان و روحانیان حاکم بیرون آید و به مالکیت و کنترل اجتماعی تبدیل شود. در همان حال اقتصاد برنامه ریزی شده توسط ارگانی منتخب از کارگران و زحمتکشان جای اقتصاد بازار در این بخش ها را بگیرد و کمیته های منتخب کارکنان هر بنگاه یا مؤسسه اداره آن مؤسسه را عهده دار شوند. بدین سان خواست های بنیادی اقتصادی و اجتماعی زیر می توانند زمینه را برای تحولات سوسیالیستی بعدی اقتصاد اجتماعی فراهم سازند:

- ملی کردن همه زمین ها، منابع طبیعی آب، جنگل ها و چراگاه های طبیعی کشور.
- مصادره و ملی کردن همه بانک ها و دیگر مؤسسات مالی، شرکت های بیمه، پست، تلفن و مخابرات، راه آهن، راه های شوسه و تأسیسات و وسایل هواپیمائی و دریائی.
- مصادره و ملی کردن همه مؤسسات اقتصادی بزرگ و نیز مؤسساتی که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی دارای اهمیت ویژه اند.
- لغو همه مالیات های مصرف بر کالاها و خدمات ضروری توده ها. وضع مالیات های مستقیم به شیوه تصاعدی بر درآمد، دارائی و ارث.
- ملی کردن بازرگانی خارجی. نظارت دموکراتیک بر توزیع کالاهای اساسی مورد نیاز شهروندان از طریق تعاونی های مصرف کارگران و زحمتکشان و دیگر نهادهای دموکراتیک توده ای.
- ملی کردن همه منابع زیرزمینی و معادن کشور.
- ملی کردن موقوفات داخل کشور.
- ایجاد سازمانی توسط ارگان سراسری برنامه ریزی اقتصادی - اجتماعی برای تنظیم، اجرا، کنترل و ارزیابی سیاست های مربوط به حفظ و بهبود محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن در همکاری با شوراهای، سندیکاها، کمیته های کارخانه و محل کار، تعاونی های تولید و مصرف، مراکز علمی و تحقیقاتی، سازمان های بهداشتی و درمانی، شهرداری ها و انجمن های غیردولتی فعال در این زمینه. حفظ و بهبود محیط زیست، بهره برداری مبتنی بر معیارهای پیشرفته اکولوژیک از دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها، چاه ها و دیگر منابع آب، زمین ها، جنگل ها، مراتع، معادن و غیره و مبارزه مستمر با آلودگی هوا، آب، خاک و دیگر منابع، توسعه انرژی های غیر فسیلی

و تجدید پذیر و منع ساخت و به کارگیری مواد مضر در تولید مواد غذایی و دارویی و غیره یک رکن هر نوع فعالیت صنعتی، کشاورزی، خدماتی و عمرانی در جامعه آینده است.

• برقراری بازرسی کارگری در همه واحدهای کار و خدمات اجتماعی.

در بندهای بالا، ملی کردن به معنی برقراری مالکیت عمومی و غیر قابل انتقال به غیر است و حق بهره برداری بویژه در مورد زمین و دیگر منابع طبیعی از آن تولید کنندگان و کارکنان مستقیم است.

ث) اهداف سیاسی انقلاب آتی ایران

دولت انقلابی آینده پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، یعنی جمهوری شورائی کارگران و زحمتکشان، باید موارد زیر را تضمین کند:

- آزادی عقیده، بیان، اطلاع رسانی و تحقیق، آزادی مطبوعات و دیگر رسانه های توده ای، آزادی ترک یا پذیرش هر دین و مذهب، منع سانسور،

- برابری کامل حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی زن و مرد،

- جدائی دین از دولت، امور قضائی و آموزش عمومی، قطع کمک های مالی و اقتصادی دولتی به مؤسسات دینی،

- استقلال قوه قضائی و انتخابی بودن قضات، حق شکایت هر شهروند از هر فرد یا نهاد دولتی به دادگاه،

- لغو مجازات اعدام و ممنوعیت هر نوع شکنجه و مجازات های بدنی و موهن، علنی بودن محاکمات و فراهم بودن شرایط دفاع متهمان از خود از طریق انتخاب وکیل و به صورت فردی، منع تفتیش عقاید،

- منع دستگیری های خودسرانه، منع تفتیش نامه ها و کنترل ارتباطات رسانه ای، رایانه و تلفن و پایمال کردن مصونیت مسکن،

- حق تشکیل و فعالیت آزاد انجمن ها، سندیکاها و احزاب،

- حق کامل انتخاب کردن و انتخاب شدن همه شهروندان ۱۸ ساله و بالاتر زن و مرد برای اداره امور کشور در تمام سطوح،

- انتخابی بودن همه مسئولان و قابل عزل بودن آنان به خواست اکثریت انتخاب کنندگان،

- لغو هرگونه امتیاز برای مسئولان دولتی و اداری و محدودیت حقوق آنها در حد مزد متوسط یک کارگر ماهر،

- حق کامل بحث، نقد، بررسی و مشورت، هم در سطح عمومی و هم در درون ارگان های مسئول، بر سر تصمیمات و وظایف،

- حق اعتراض، گردهمائی، تظاهرات، راه پیمائی، تحصن و اعتصاب برای همه شهروندان،

- تضمین برابری حقوقی و سیاسی ملت های ساکن ایران و به رسمیت شناختن حق آنها در تعیین سرنوشت خود از جمله تشکیل دولت مستقل،

- تلاش از طریق اقدام ها و تصمیمات مشخص دولتی و اولویت های بودجه ای برای رفع نابرابری های اقتصادی و فرهنگی بین مناطق مختلف، شهر و روستا و غیره،

- آموزش رایگان در تمام سطوح،

- بهداشت و درمان عمومی رایگان و تأمین اجتماعی برای کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، دانشجویان، بازنشستگان و بیکاران؛ کمک دولتی به بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی دیگر لایه های اجتماعی.

دولت انقلابی شورائی کارگران و زحمتکشان برای حفاظت از حقوق و تدابیر ذکر شده در بندهای بالا، جلوگیری از قدرت یابی مجدد سرمایه داران و دیگر استثمارگرانی که در اثر انقلاب سرنگون شده اند و سرکوب تلاش های مخاصمت آمیزی که استثمارگران داخلی و بین المللی در جهت تخریب دستاوردهای انقلاب پرولتری و سلطه مجدد بر کارگران و زحمتکشان به عمل می آورند، و نیز برای حفظ امنیت شهروندان باید وسایل لازم را در اختیار داشته باشد.

یکی از این وسایل، ارتش انقلابی توده ای متکی بر تسلیح عمومی همه شهروندان قادر به جنگ و فعالیت های دفاعی است. به دلیل ماهیت جنگ های مدرن، سلاح ها و فناوری های نظامی جدید و اهمیت دانش نظامی (استراتژی و تاکتیک) و فنون نظامی، مسلح کردن توده مردم، به رغم اهمیت حیاتی و پایه ای آن، نمی تواند به تنهایی دفاع از انقلاب و پیشروی آن را تضمین کند. یک بخش حرفه ای برای: الف) آموزش نظامی توده ها، ب) پیشبرد صنایع و تکنولوژی نظامی، پ) مطالعات استراتژیکی و تاکتیکی برای دفاع از انقلاب و پیشبرد آن ضروری است. این بخش حرفه ای و توده مسلح سازمان یافته به وسیله شوراهای، که باید در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر باشند، مجموعاً ارتش توده ای انقلابی را تشکیل می دهند. فرماندهی کل ارتش انقلابی توده ای بر عهده کنگره سراسری نمایندگان شوراهای کشور است که شورای عالی فرماندهی نظامی را تعیین می کند. ساختار درونی ارتش انقلابی توده ای شورائی است.

ارتش توده ای انقلابی نمی تواند قدرت سرکوب و قهر خود را به ضد کارگران و زحمتکشان و دیگر شهروندان به کار بندد. ارتش انقلابی توده ای نمی تواند سیاست شوونیستی و سلطه طلبانه به ضد شهروندان خودی یا مردم سرزمین های دیگر اعمال کند. ارتش انقلابی توده ای، مانند دیگر ارگان های دولت انقلابی، ابزاری در خدمت پرولتاریا و متحدان طبقه کارگر و پاسخگو به آنهاست و نمی تواند سرور و حاکم بر جامعه باشد. نهادهای انتظامی جامعه آینده نیز وضعیت مشابهی با ارتش انقلابی خواهند داشت.

سیاست خارجی دولت انقلابی کارگران و زحمتکشان مبتنی بر انترناسیونالیسم پرولتری، مبارزه با امپریالیسم و جنگ های امپریالیستی و اشغالگرانه، عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، پشتیبانی از مبارزات مترقی توده های مردم به ضد امپریالیسم و قدرت های ارتجاعی محلی و حمایت از صلح عادلانه در سراسر جهان است. یک ویژگی دیگر سیاست خارجی این دولت، لغو دیپلوماسی سری است.

خواست ها و وظایف فوری و میرم ما

وظیفه اصلی ما شرکت در اشکال مختلف مبارزات کارگران سراسر کشور به منظور ارتقا و تقویت این مبارزات از طریق ترویج، تبلیغ و پیشبرد عملی اهداف انقلابی ذکر شده در بالا است.

ما اساساً در عرصه مبارزات اقتصادی - اجتماعی و مبارزات سیاسی طبقه کارگر و نقشی که این طبقه می تواند در ارائه چشم انداز سیاسی خود و در ارتقا و تقویت مبارزات دموکراتیک مردم، بویژه زنان، معلمان، جوانان و دانشجویان و دانش آموزان، بازنشستگان، دهقانان زحمتکش و غیره داشته باشد مبارزه می کنیم.

الف) خواست های ما در عرصه مبارزات اقتصادی و اجتماعی کارگران

- مبارزه برای افزایش مردها: ما در این زمینه از خواست افزایش حداقل دستمزد به میزانی که از هزینه زندگی یک خانوار متوسط شهری در سطح کشور کمتر نباشد و در سال های اخیر شماری از تشکل های کارگری آن را مطرح

کرده اند پشتیبانی می کنیم. سایر مزد ها نیز با توجه به مهارت، سابقه کار، سختی شرایط کار و غیره باید از این حداقل بیشتر باشند. حداقل دستمزد و دیگر مزدهائی که بر مبنای فوق تعیین شده اند باید هر شش ماه یک بار بر اساس افزایش نرخ تورم و افزایش بارآوری کار ترمیم شوند. نمایندگان مستقل کارگران و نه مأموران شورای عالی کار که نام نماینده کارگر بر خود نهاده اند تنها مرجع صالح برای مذاکرات مربوط به مزد هستند.

- کارفرمایان خصوصی و دولتی در موارد بسیاری پرداخت حقوق و مزایای کارگران را ماه ها به عقب می اندازند. مبارزه برای پرداخت فوری مطالبات کارگران یک عرصه مهم مبارزات دفاعی کارگران را تشکیل می دهد و ما شرکت در این مبارزات را وظیفه خود می دانیم.
- مبارزه برای بیمه بیکاری همه کارگران بیکار و جویندگان کار و پرداخت مستمری مکفی به آنها تا هنگام اشتغال.
- مبارزه برای برابری مزد کارگران زن و مرد برای کار یکسان. لغو موانع اشتغال و استخدام زنان و تصدی مسئولیت توسط آنها.
- منع کار کودکان و نوجوانان تا سن ۱۶ سال تمام. محدود کردن ساعات کار نو جوانان ۱۶ تا ۱۸ ساله به حداکثر ۴ ساعت در روز.
- مبارزه برای به رسمیت شناساندن روز اول ماه مه به عنوان تعطیل رسمی کارگری در تمام مؤسسات کار مزدی خصوصی و دولتی. پرداخت کامل حقوق و مزایای روز اول ماه مه به کارگران شاغل و بیکار.
- مبارزه با هر گونه تبعیض جنسی، مذهبی، ملی، نژادی و اعتقادی در محیط کار و برای استخدام و اشتغال در مؤسسات دولتی و خصوصی.
- مبارزه برای کاهش ساعات کار به حد اکثر ۳۵ ساعت در هفته.
- برقراری بیمه اجتماعی همگانی کارگران شاغل و بیکار.
- آموزش عمومی رایگان در تمام سطوح ابتدائی، متوسطه و عالی؛ بهداشت و درمان همگانی و رایگان. تأمین مراقبت و مداوای زنان کارگر باردار در تمام مدت پیش از زایمان و زمان لازم پس از زایمان به تشخیص مراجع پزشکی به هزینه کارفرما و دولت.
- مبارزه برای تأمین مسکن کارگران.
- مبارزه برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازنشستگان: تعیین حداقل مستمری بازنشستگان معادل حداقل دستمزد کارگران شاغل، تأمین بیمه کامل اجتماعی و مسکن بازنشستگان، حق نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق های باز نشستگی و در مؤسسات اقتصادی متعلق به این صندوق ها.
- برقراری نظارت کارگری از طریق نمایندگان منتخب کارگران بر روابط کار، بهداشت و شرایط کار در همه مؤسسات کار مزدی.

ب) خواست های ما در عرصه مبارزات سیاسی طبقه کارگر

یک عرصه بسیار مهم و تعیین کننده در مبارزه طبقاتی طبقه کارگر، مبارزه سیاسی مستقل این طبقه است یعنی مبارزه برای اهداف سیاسی ویژه این طبقه که متضمن منافع حیاتی کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه و تلاش آنها برای رهایی از استثمار و کار مزدی و محو طبقات و نظام طبقاتی در جامعه است.

روشن است که اهداف عالی و درازمدت سیاسی طبقه کارگر فوراً قابل دست یابی نیستند. برای این کار، کارگران و در درجه نخست کارگران آگاه و پیشرو باید حزب سیاسی انقلابی خود را به وجود آورند، به مبارزات سیاسی در عرصه های

مختلف ادامه دهند و توانائی های خود را بالا برند و قادر باشند توده وسیع کارگران مزدی و نیز زحمتکشان غیر پرولتری را به سیاست خود جلب کنند تا بتوانند بر نیروهای سیاسی، نظامی، انتظامی و امنیتی و دستگاه اداری طبقات استثمارگر غلبه یابند و آنها را از مسند قدرت کنار بزنند.

خطوط اصلی و محورهای مبارزات سیاسی که کارگران باید در مبارزه آزادی بخش خود و برای تدارک انقلاب به عمل آورند در بالا (بند مربوط به اهداف سیاسی انقلاب آتی ایران) خلاصه شده اند و باید در مبارزات جاری سیاسی آنها را مد نظر قرار داد.

بدین سان مهم ترین عرصه های مبارزات سیاسی کارگران و خواست های ما در این زمینه چنین اند:

- مبارزه برای آزادی عقیده، بیان، اطلاع رسانی، آموزش، پژوهش و نقد
- مبارزه برای حق تشکل و تحزب، اعتصاب، تظاهرات و اعتراض
- مبارزه برای برابری کامل زن و مرد در همه زمینه های حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی
- مبارزه با تمام قوانین ضد زن و انواع تبعیضات و ستم های دولتی، مذهبی و سنتی وارد بر زنان
- مبارزه برای توضیح حق حاکمیت توده های مردم (حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان) که به معنی وسیع ترین دموکراسی و نفی کامل حکومت دینی و انواع حکومت های صاحبان امتیاز و ثروت در جامعه بورژوائی است
- مبارزه برای جدائی دین از دولت، آموزش عمومی و امور حقوقی و قضائی جامعه، قطع کمک های مالی دولت به نهادهای مذهبی
- مبارزه برای تأمین برابری حقوق ملت های ساکن ایران و به رسمیت شناختن حق آنها در تعیین سرنوشت خود
- مبارزه برای حذف سانسور، تفتیش عقاید و هرگونه مانع برای نشر آزاد دیدگاه ها و فعالیت آزاد علمی، فلسفی، ادبی و هنری
- مبارزه علیه هتک و پایمال کردن مصونیت منزل، محل کار، دانشگاه و مدرسه توسط نیروهای نظامی و انتظامی و بسیجی و مأموران لباس شخصی پوش
- مبارزه برای استقلال قوه قضائیه
- مبارزه با نظامیگری و شووینیسیم (عظمت طلبی و برتری جوئی ملی)
- افشای تمام سیاست های ضد کارگری و ارتجاعی داخلی و خارجی رژیم
- افشای سیاست های امپریالیست های رنگارنگ در منطقه و جهان
- مبارزه با اعدام و شکنجه
- مبارزه مستمر برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، فعالان سندیکائی، دانشجویان، فعالان حقوق زنان، مدافعان حقوق بشر و همه فعالان مدنی و طرفداران محیط زیست که در زندان های رژیم هستند.

روش ها و ابزارهای مبارزه

روش های مبارزه:

- اعتصابات سیاسی و تظاهرات و راه پیمانی
- شیوه های عالی تر مبارزه

طبقه کارگر طی چند سده مبارزه به روش ها، شیوه ها و اشکال مبارزاتی معینی دست یافته و در صورت لزوم شیوه های جدیدی ابداع کرده است. از این رو ما مدعی ارائه شیوه و روش جدیدی در مبارزه نیستیم. سنت های مبارزاتی گذشته و نیز روش های مبارزاتی کارگران کشورهای دیگر سرچشمه های خوبی برای بهره گیری از آن شیوه ها و کاربردهای آنها در عمل به شمار می روند.

اعتصاب و تظاهرات دو روش مهم مبارزاتی طبقه کارگرند که کارگران ایران ده ها سال است از این دو روش استفاده می کنند و کارگران برخی مراکز تولید و خدمات، دارای تجارب ارزنده و ثمربخشی در این زمینه ها هستند.

ما در اینجا روی اعتصاب سیاسی و یا اعتصاب برای خواست های سیاسی تأکید داریم، مبارزه ای که کارگران بخش های مختلف، بویژه کارگران نفت، معلمان و غیره در آن دارای تجربه نیز هستند. اعتصاب سیاسی از دید ما یکی از ابزار های مهم مبارزه طبقه کارگر است که دارای اهمیت بسیار بالایی تاکتیکی و استراتژیکی است.

همان گونه که تجربیات کارگران در سراسر جهان و نیز در ایران نشان داده است ترکیب هوشمندانه اعتصاب با تظاهرات باعث تقویت هر دو می شود. نکته اصلی، چه در مورد تظاهرات و چه اعتصابات، انتخاب خواست ها و شعارهای درست و مستقل است. به همین دلیل است که ما روی خواست های سیاسی و خواست های اقتصادی - اجتماعی، چه خواست های درازمدت و چه خواست های فوری و مبرم، مکث کردیم و بر یک رشته خواست های مهم در هر دو زمینه انگشت گذاشتیم. بی گمان با رشد جنبش خواست دیگری در همین زمینه ها می توان مطرح کرد.

با رشد جنبش، با تغییر وضعیت سیاسی جامعه و حرکت (احتمالی) به سمت وضعیت انقلابی، اشکال عالی تر مبارزه (مبارزه مسلحانه، قیام و غیره) مطرح خواهند شد. در هر حال اعتصابات و تظاهرات سیاسی اهمیت خود را حفظ می کنند و حتی می توانند راهگشای اشکال بالاتر و عالی تر شوند.

همچنین تدوین و به عمل درآوردن استراتژی و تاکتیک درست و به روز مبارزه طبقاتی پرولتاریا، استراتژی و تاکتیکی که تحولات تاریخی و اجتماعی و تغییراتی را که در مضمون و شکل مبارزات طبقاتی در طول زمان رخ می دهد و نیز پیچیدگی ها و جوانب مختلف استراتژی و تاکتیک و پویایی آنها را در مد نظر داشته باشد به امری ضروری و اجتناب ناپذیر مبدل می گردد.

ابزارهای مبارزه طبقاتی

پس از شناخت و تعیین اصول و اهداف مبارزه و خواست های درازمدت و فوری و تعیین نقشه و روش دست یابی به آنها (استراتژی و تاکتیک)، مسأله بسیار مهمی که مطرح می شود تعیین ابزارهای مبارزه است. این ابزارها در درجه اول تشکل ها و سازمان های طبقه کارگر هستند که این طبقه در طول مبارزات تاریخی خود به وجود آورده است: سندیکا یا اتحادیه، حزب سیاسی طبقه کارگر، شوراهای کارگری و کمیته های کارخانه و محل کار. دو تشکل نخست هم در شرایط رشد سریع و اعتلای جنبش و هم در شرایط رکود و یا افت جنبش، هم در شرایط انقلابی و هم در شرایط غیر انقلابی می توانند و باید وجود داشته باشند و وظایف خود را به پیش ببرند.

شوراهای کارگری که وظیفه مبارزه سیاسی برای برانداختن قدرت طبقه یا طبقات حاکم، در هم شکستن ماشین اداری و نظامی بورژوائی و پی ریزی قدرت پرولتاری (دولت انقلابی کارگران و زحمتکشان) را بر عهده دارند و کمیته های کارخانه و محل کار که وظیفه اداره و سازماندهی کار با خلع ید از بورژوازی و مدیران منصوب او را بر عهده می گیرند در شرایط

انقلابی می‌توانند به وجود آیند و نقش خود را ایفا نمایند. این تشکل‌ها البته خلق‌الساعه نیستند و تدارک و زمینه‌سازی آنها در شرایط غیر انقلابی صورت می‌گیرد.

ایجاد هسته‌های انقلابی در کارخانه‌ها و دیگر محیط‌های کار مزدی

هسته‌های انقلابی (کمونیستی) مرکب از پیشروترین و آگاه‌ترین کارگران مزدی در کارخانه‌ها و دیگر مراکز تولید صنعتی، خدماتی و کشاورزی واحد سازمانی حزب آینده‌طبقه کارگر و دیگر تشکل‌های انقلابی پرولتری آینده یعنی شورا و کمیته کارخانه و محل کار و غیره را تشکیل می‌دهند. بی‌گمان حزب در کلیت خود شامل عناصر دیگری مانند تئوری و برنامه، استراتژی و تاکتیک و سازمان‌های انتشاراتی، تدارکاتی، ارتباطی و غیره نیز باید باشد که از هسته‌های میدانی متمایزند اما استخوان‌بندی اصلی حزب و بدنه آن را هسته‌های انقلابی در درون کارگران و زحمتکشان تشکیل می‌دهد. امروز ایجاد این هسته‌ها جزء مبرم‌ترین و ضروری‌ترین وظایف کارگران آگاه و پیشرو است. این هسته‌ها موظفند با ترکیب درست کار مخفی و نیمه‌علنی و علنی مبارزات سیاسی و اقتصادی-اجتماعی کارگران در محیط فعالیت خود را به پیش ببرند، به کارگران در راه ایجاد سندیکا و دیگر تشکل‌های مستقل کارگری یاری رسانند، سوسیالیسم علمی را به کارگران آموزش دهند و با تکتیر هسته‌ها در محیط کار و انتشار ادبیات سوسیالیستی آگاهی پرولتری کارگران را ارتقا بخشند. یک وظیفه دائمی این هسته‌ها کار سیاسی در میان کارگران، توضیح و افشای سیاست‌های بورژوازی و تبیین آلترناتیو‌های طبقه کارگر در هر زمینه است.

ایجاد هسته‌های کمونیستی در میان زنان، دانشجویان، دهقانان و دیگر زحمتکشان

حمایت همه‌جانبه از جنبش زنان برای آزادی و برابری با مردان در همه زمینه‌ها و شرکت فعال در این جنبش و بویژه مبارزه برای تشکل‌های زنان کارگر یک وظیفه محوری استراتژیک طبقه کارگر است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های خیزش انقلابی کنونی و یکی از سرچشمه‌های انرژی آن رها شدن خواست‌های سرکوب‌شده زنان سراسر ایران برای آزادی است که در مقابل کلیت رژیم ارتجاعی اسلامی و سنت‌های اسارت‌بار و خفقان‌آور جامعه به پا خاسته است. آموزش سوسیالیستی و پیوند مبارزات زنان با مبارزه‌رهای بخش طبقه کارگر به هر دو یاری می‌رساند و هر دو را تقویت می‌کند.

جنبش جوانان، بویژه جنبش دانشجویی، یک محور مبارزاتی دیگر است که با مبارزات طبقه کارگر و مبارزات توده‌های مردم برای دموکراسی پیوند عمیق و دیرینه دارد. ایجاد هسته‌های کمونیستی در میان جنبش دانشجویی باعث رشد کیفی این جنبش و گسترش فرهنگ و آگاهی کمونیستی در سطح جامعه می‌شود.

دهقانان زحمتکش طی سال‌های اخیر بارها برای خواست‌های خود در مقابل رژیم اسلامی به پا خاسته‌اند. دهقانان می‌توانند متحد طبیعی طبقه کارگر در مبارزه برای برانداختن قدرت سرمایه‌داران و زمینداران و پیشروی به سوی سوسیالیسم باشند. اما تحقق این امر ممکن تاریخی به کار مستمر و طولانی سیاسی و آموزشی در میان دهقانان بستگی دارد. ایجاد هسته‌های کمونیستی در روستاها به این ضرورت مبارزاتی پاسخ می‌دهد. همین امر در مورد دیگر زحمتکشان غیر پرولتری صادق است.

ایجاد هسته های کمونیستی در میان سربازان

خاستگاه طبقاتی سربازان و دیگر افراد پرسنل پائین نیروهای سرکوب نظامی و انتظامی اساساً طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است که به خاطر خدمت وظیفه اجباری و یا برای به دست آوردن لقمه ای نان به این کار روی آورده اند. اینان زیر تهدیدهای مقامات بالا و در اثر شستشوی مغزی کارگزاران رژیم در سطح جامعه و نیز در سربازخانه ها و غیره برای سرکوب مردم در تظاهرات و اعتصابات و غیره بسیج می شوند. کار افشاگری، آگاه سازی و آموزشی در میان آنان و در مراحل پیشرفته تر جلب مطمئن ترین، محکم ترین و کارآترین آنها برای ایجاد هسته های مخفی در میان سربازان یک وظیفه ضروری است که می تواند از جهات گوناگون به پیشبرد مبارزه انقلابی و کاهش خطر سرکوب یاری رساند.